



## اسلام، مکتب انسان سازی

# عَوَامِلُ عَقْلِيَّةٌ

حجة الاسلام رحيميان



## آینده نگری

یکی از عواملی که در کاربرد صحیح عقل و شکوفائی آن نقش مهمی دارد، آینده نگری است. انسان نباید اندیشه خود را در زمان حال محبوس و محصور و فقط جلوی پای خود را ببیند و در امور زندگی دچار روزمرگی باشد، بلکه باید عقل در جهت کشف و تأمین مصالح و اهداف نهائی و بلند مدت زندگی به کار گرفته شود و در تمام کارها و امور روزمره خویش هم متوجه عواقب و پیآمدهای آنها در راستای سرتوشت نهائی خود باشد.

از حضرت رسول اکرم (ص) نقل شده که فرمود:

«اذا هممت بامر فتدبر عاقبته».

(بخارج ۱۳۰/۷۷)

هرگاه میخواهی در مورد کاری تصمیم بگیری در نتیجه و سرانجام آن بیندیش.

و از حضرت امیرالمؤمنین (ع) نقل شده که فرمود:

(التدبير قبل العمل يؤمنك من الندم)».

(امالی صدوق ۲۶۸)

آینده نگری قبل از هر کاری ترا از پشیمانی ایمن می سازد.

انسان عاقل نه آنکه خود را در حصار امروز زندگی محصور و محدود نمی بیند بلکه کل زندگی دنیا را در قبال زندگی و حیات ابدی مطرح نظر قرار نمی دهد و امروز دنیای فانی را جز برای تأمین سعادت فردای باقی به کار نمی گیرد که اگر دنیا از طلا باشد و آخرت از سفال، سفالی که همیشگی است بر طلای موقت در نظر عقل رجحان دارد تا چه رسد به آنکه دنیا از سفال باشد و آخرت از طلا.

حضرت امام کاظم (ع) خطاب به هشام می فرماید:

« يا هشام ان العاقل نظر الي الدنيا والى اهلها فعلم انها لا تنال الا بالمشقة ونظر الي الآخرة فعلم انها لا تنال الا بالمشقة فطلب بالمشقة ابقاهما».

«يا هشام ان العقلاء زهدوا في الدنيا ورغبوا في الآخرة لأتاهم علموا...».

(کافی ج ۱/۱۸۱)

ای هشام، خردمند به دنیا و دنیا داران نگرست و دانست که دنیا جز با سختی بدست نیاید و به آخرت نظر کرد و دانست که آخرت نیز جز با مشقت حاصل نشود پس به این نتیجه رسید که با این سختی آنچه ماند گارتر است بخواهد.

ای هشام همانا خردمندان از دنیا دل بریدند و به آخرت روی آوردند زیرا که دانستند...

و بالاخره بالاترین سخن را قرآن فرموده:

«وما الحيرة الدنيا الا لعب وللهو وللدار الآخرة خير للذين يتقون افلا تعقلون».

(انعام/۳۲)

زندگی این دنیا جز بازیچه و سرگرمی نیست و سزای آخرت برای آنانکه تقوی بیشه کنند بهتر است چرا عقل خود را به کار نمی گیرند. و مسلم است که عاقل زندگی پایدار و سعادت آن را با پیشه کردن تقوی بر سراب خوشی زندگی گذرا بر می گیرند.

## علم و عقل

انسان دارای دو نوع دانش و آگاهی است یکی آگاهیها و دانسیتهائی که از خارج وجود به وسیله حواس دریافت می کند و دیگر آگاهیها و دانسیتهائی که از درون انسان نشأت گرفته و نتیجه ابتکار و جوشش فکری اوست و به تعبیر حضرت امیر علیه السلام گروه اول را علم مسموع و گروه دوم را علم مطبوع می نامیم:

«العلم علمان: مطبوع ومسموع ولا ينفع المسموع اذا لم يكن المطبوع».

(نهج البلاغه حکمت ۳۳۸)

این دو نوع آگاهی و علم وابستگی تنگاتنگی با یکدیگر دارند اگر علم مسموع نباشد، علم مطبوع تحقق پذیر نیست و اگر علم مطبوع نباشد همانگونه که در حدیث فوق است علم مسموع نمیتواند ثمربخش باشد.

معلوماتی که انسان از خارج دریافت می کند اگر بوسیله عقل و اندیشه مورد تجزیه و تحلیل قرار نگیرند و به صورت مواد خام برای تولید معلومات جدید و مفیدتر به کار گرفته نشوند بازدهی چندانی ندارند همانگونه که نیروی عقل و مولد علم مطبوع نیز اگر مواد خام یعنی معلومات و اطلاعات خارجی را در اختیار



نداشته باشد نمی تواند به علم و آگاهی جدیدی دست یابد.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل شده:

«العقل مرکب العلم».

(فرارالحکم)

عقل مرکب دانش است.

اگر علم بخواهد به مقصد برسد باید بر مرکب عقل و اندیشه سوار شود و عقل است که با حرکت و جوشش خود علم را حرکت و کمال می بخشد.

و قرآن مجید می فرماید:

«... وتلك الأمثال نضربها للناس وما يعقلها إلا العالمون».

(عنکبوت/۴۳)

... و این مثالها را برای مردم میزنیم اما جز عالمان آنها را نمی فهمند.

و در آیه ای که در اوائل همین بحث متذکر شدیم میفرماید:

«فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هديهم الله

واولئك هم اولوا الالباب».

(زمر/۱۸)

خصیصه ممتاز هدایت یافتگان و خردمندان این است که به سخن گوش فرا

می دهند یعنی اطلاعات و معلومات را با دقت فرا می گیرند و سپس با کمک

عقل آنها را مورد ارزیابی دقیق قرار می دهند و بهترین آنها را برای پیروی کردن

برمی گزینند.

## محورها و منابع تفکر

اسلام در حالی که به کارگرفتن سرمایه گرانبهای عقل را در جهت امور

زیانبخش و بی فایده مردود دانسته بر حسب اولویت و ضرورت و بازدهی مفید،

محورهائی را برای به کارگرفتن اندیشه و تعقل در آنها ارائه داده است که به طور

عمده میتوان آنها را به چهار محور تقسیم نمود:

### ۱- نفس انسان:

اسلام خودشناسی را در صدر مهمترین منابع شناخت و محور مهم برای تفکر

انسان مطرح نموده است. تفکر در خویشن خویش و دست یابی به شناخت نفس

و ویژگیهای آن اساسی ترین گام است در شکوفائی و تکامل انسان که بدون آن

راه رسیدن بهرگونه کمال برای انسان مسدود است.

گرچه مسأله خودشناسی و نقش سرنوشت ساز آن برای انسان مطلب مفصلی

است ولی در اینجا به اختصار فقط به چند نمونه از مواردی که انسان را به تفکر و

اندیشیدن در ضمیر خویش توجه داده است اشاره می کنیم:

«ستریهم آياتنا في الآفاق وفي أنفسهم حتى يتبين انه الحق».

(صافات/۵۳)

بزودی آیات خویش را در آفاق و در ضمیرهایشان به آنها نشان می دهیم تا

برای آنان، آشکار شود که قرآن حق است.

«... اولم يتفكروا في انفسهم...».

(روم/۸)

چرا در ضمیرهای خویش نمی اندیشید.

«وفي الأرض آيات للموقنين وفي انفسكم افلا تبصرون».

(زمریات/۲۲)

و در زمین برای اهل یقین نشانه ها است و در ضمیر شما نیز هست پس چرا

نمی نگرید؟!

در قرآن کریم همچنین با بیان مطالب فراوان در باره خلقت انسان و

ویژگیهای مادی و معنوی او بدینوسیله نیز آنان را به تأمل و تفکر در خویش سوق

داده و او را در شناخت خود کمک نموده است.

### ۲- طبیعت:

این محور که موضوع تمام علوم طبیعی است بخش عظیمی از آیات قرآن را

دربر می گیرد و حتی بسیاری از سوره های قرآن بنام پدیده های مانند نحل، رعد،

عنکبوت، نمل، نجم، قمر، حدید، فجر، بروج، شمس، لیل، ضحی، تین،

علق، فلق که از مظاهر طبیعت هستند نام گذاری شده است.

از میان آیات فراوانی که مظاهر طبیعت را به عنوان محور و منبع تفکر و تعقل

مورد توجه قرار داده است به یک نمونه اکتفاء می کنیم:

«ان في خلق السموات والأرض واختلاف الليل والنهار لآيات لأولي

الالباب. الذين يذكرون الله قياماً وقعوداً وعلى جنوبهم ويتفكرون في خلق

السموات والأرض ربنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانك فقنا عذاب النار».

(آل عمران/۱۹۱/۱۹۲)

در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز برای خردمندان عبرتها

است آنانکه خدا را اینشاده و نشسته و به پهلو خفته یاد می کنند و در خلقت

آسمانها و زمین می اندیشند. پس می گویند. پرورد گار این را بیوده نیافریدی

پاکی ترا است پس ما را از عذاب آتش نگهدار.

### ۳- تاریخ و سرگذشت پیشینیان:

تاریخ گذشتگان و آگاهی از فراز و نشیبها و دگرگونیها و خوشبختیها و

بدبختیهای آنان که همه ناشی از سنن و نوامیس خاصی بوده اگر همراه با

ریشه یابی و تفکر در کشف آن سنن و قوانین باشد میتواند همچون یک آگاهی

که مورد تجربه نیز قرار گرفته، راهشگای زندگی بوده و انسان را در جهت فراهم

ساختن زمینه های سعادت فرد و جامعه یاری دهد، قرآن بر تعقل روی

تاریخ گذشتگان و عبرت گرفتن از آن تأکید فرموده و خودفرازهای مهم و آموزنده و

عبرت انگیز تاریخ بشر را بیان نموده است.

«افلم يسيرا في الأرض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم

ولدار الآخرة خير للذين اتقوا افلا تعقلون... لقد كان في قصصهم عبرة

للمرسلين».

بفیه درصفاحه ۴۸



## بقیه از تاریخچه خاندان حضرت امام

و پیشاپیش جمعیت به عنوان اعتراض در بازار راه افتاد ولی دولت وقت جلوی آقای خوانساری ایستاد و به ایشان اهانت شد و نتوانست فعالیت اعتراض آمیز خود را ادامه دهد. و دولت نیز قانون خود را به مرحله اجرا گذارد (قانون بود تصویب نامه وضع کردند).

منظور آمریکائیان و بالتبع دولت وقت ایران از اصلاحات ارضی این بود که زمینهای بین کشاورزها تقسیم کنند تا آنها دیگر تمایلی به کمونیست‌ها پیدا نکنند و اوضاع کمونیستی در ایران از میان برود و چنین برداشت کرده بود که هرگاه همه کشاورزان صاحب زمین شدند، با دولت سازش خواهند کرد و کسی مخالفت نخواهد نمود.

دکتر امینی این عمل را انجام داد و از آن پس برای مسأله انجمن‌های ایالتی و ولایتی اقدام نمود، تا اینکه تمام مردان و زنان را وارد معرکه انتخاباتی بکنند و برای اینکه هم نسبت به اسلام، اهلام بی تفاوتی کنند و هم اصحاب دیگر ادیان را با خودشان وارد معرکه نمایند، حتی قسم به قرآن را مبدل کرده بودند به «قسم به کتاب آسمانی!».

اینجا بود که علما قیام کردند و جداً اقدام نمودند، و حضرت امام نیز فعالیت زیاد و اقدامات چشمگیری در این زمینه داشتند.

ادامه دارد  
...  
تاریخ تولد آقابانوخانم ۱۸ جمادی الاولی ۱۲۷۲ هجری قمری میباشد که در شماره ۸۴ اشتباهاً ۱۲۷۶ چاپ شده بود.

## بقیه از اتخاذ مشی انقلابی با مشی انفعالی

رویه‌ها.

اسلامی نیز نیازمند نیروها و مدیران شجاع و انقلابی و با بینش عمیق میباشد که مردان شجاع و مدیر و بصیری را می‌طلبد تا بتوانند با یک خیزش عمومی دوران انتقال را طی نمایند. انتقال از الگوهای گذشته به الگوهای مورد نظر انقلاب اسلامی، و این کار شدنی است. منتها اتخاذ مشی انقلابی و جهشی شرایطی دارد که عمدتاً عبارت است از:

- ۱- تحول بینشی و نگرشی و روشی در ارتباط با مسائل کشور.
- ۲- داشتن ادراک درست از موضوع، بویژه ضرورت ایجاد اهرمهای متناسب با انقلاب اسلامی و برچیدن اهرمها و الگوهای متناسب با اهداف و ارزشهای رژیم منحط پیشین از جامعه.
- ۳- داشتن بینش و نگرش انقلابی نسبت به موضوعات.
- ۴- داشتن خصلت و روح انقلابی در اتخاذ روشها و

- ۵- داشتن روح شجاعت و نداشتن روحیه احتیاطی و تذلل‌طلب‌بیمورد.
- ۶- داشتن بینش عمیق و نگرش همه‌جانبه و مبتنی به مسائل.
- ۷- داشتن تحرک و پویایی و سایر خصلتهای مورد نیاز.

کشور انقلابی ما باید در بینشها و نگرشها و روشها و باورها و رفتارها، بویژه در دولت و مجلس مشی انقلابی خود را حفظ کرده و برای نظام اسلامی، اهرمها و بازوهای متناسب را ایجاد نموده و الگوهای جدید را خلق نماید. در چنین حالتی خواهد بود که امکان فائق آمدن بر معضلات فراینده اجتماعی و اقتصادی و اداری و فرهنگی کشور فراهم آمده و انقلاب اسلامی خواهد توانست با عنایات الهی و با توجه به موقعیت جغرافیایی بسیار مناسب آن در جهان، و نیز زمینه‌های قدرت

خدادادی، رسانهای خود را ایفا نماید.

ذکر این نکته ضروری است که با رویه‌های مرسوم و

روال قانونگذاری متداول در مجلس و روشهای اجرایی متداول در مجموعه دستگاه دولت، که در واقع مانع درون الگوها و ساختارهای باقیمانده از گذشته میباشد امکان اتخاذ مشی انقلابی وجود نخواهد داشت و این امر تحول بینشی و نگرشی و روشی را طلب می‌نماید، و باید توجه داشت که برای مقابله با مسائل کشور که در صورت حفظ وضع موجود پستیاً ابعاد خطرناکی پیدا خواهد نمود چاره‌ای جز برخورد انقلابی و معقولانه و جهشی وجود ندارد و این مسئولیت سنگین مجلس و دولت است که در آغاز دومین دهه پسروری انقلاب مقدس اسلامی و دوران سازندگی و تجهیز کشور چگونه عمل کنند؟ اتخاذ مشی انقلابی با اتخاذ مشی انفعالی؟ که نتیجه اولی جهش در راستای حل معضلات کشور و طی طرق توسعه و ترقی در چارچوب اهداف ارزشی نظام اسلامی است و نتیجه دومی پس رفت و عقب‌ماندگی و نتایج خطرناک دیگر.

## بقیه از عوامل رشد عقل

### اولی الالباب».

(یوسف ۱۰۹ و ۱۱۱)  
چرا در زمین سیر نمی‌کنند تا بنگرند سرانجام آنانکه پیش از آنها بوده‌اند، چسان بود و سرای آخرت برای کسانی که تقوی پیشه ساخته‌اند بهتر است چرا عقل خویش را به کار نمی‌گیرند؟... در سرگذشت آنان برای خریدندگان عبرتی است.

قرآن به سنی که منشأ شکل‌گیری تاریخ گذشتگان شده، توجه داده و انسانها را به سیر و سیاحت در زمین و تأمل و اندیشه در آنها امر فرموده است:  
«قد خلت من قبلکم سنن فیسروا فی الأرض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین».

(آل عمران ۱۳۷)  
پیش از شما سنتهایی به وقوع پیوسته پس در زمین گردش و کاوش کنید و بنگرید سرانجام کسانی که حقایق وحی را تکذیب کردند چسان بود.

## ۴- قرآن (کتاب تشریح):

قرآن، کتاب تشریح که هماهنگ با کتاب تکوین است و راهگشا و راهنمای بهره جستن از عالم تکوین نیز هست، خود به عنوان منبعی عظیم ولایت‌ناهی برای تفکر و شناخت و راهیابی به سوی کمال غائی انسان است.

«وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم ولعلهم یتفکرون».

(نحل/۴۴)  
و این قرآن را به تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را به ایشان نازل شده بیان کنی، شاید اندیشه کنند.

«... کذلک ینبئ الله لکم الآیات لعلکم تتفکرون».

(نوره آخر آیات ۲۱۹ و ۲۲۶)  
بدینسان خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند شاید بیندیشید.  
«... کذلک تفصیل الآیات لقوم یتفکرون».

(یونس ۲۴)  
... بدینگونه آیات را شرح می‌دهیم برای کسانی که اندیشه می‌کنند.